

شیوه‌های جدید شادی پس از گل در سال ۲۰۲۱

نیک‌میلر
مترجم: نوید صراف

به نظر می‌رسد کلمه‌ای که می‌تواند این روزها را به بهترین شکل ممکن توصیف کند واژه «کنش» است؛ به ویژه «کنش منفی و بد». این دو صفتِ چسبیده به واژه مد نظر ما، به درستی نشان می‌دهد که ما از کدام زاویه به موضوع نور تابانده‌ایم. موضوع هنوز برای تان گنگ است؟ ایرادی ندارد؛ ما اینجا هستیم تا شما را بهتر و بیشتر به عمق ماجرا و داستان بکشانیم. پس بگذارید پای تیم سلطیک را هم به گود وارد کنید؛ تیمی پر زرق و برق که مثال ویژه‌ای برای «کنش منفی و بد» هستند. مسئولان این باشگاه مطمئناً با اعزام تیم اصلی خود به یک سفر تفریحی بسیار کوتاه به دبی هیچ قانونی را زیر پا گذاشته و در ظاهر دقیقاً روال چند سال گذشته را ادامه داده‌اند اما حتی خواندن خبر کوتاه سفر بازیکنان در شرایط کرونا به کشوری دیگر و گشت و گذار در خیابان‌ها، سر آدم را به درد می‌آورد. بله؛ مدیران باشگاه همان کاری را کردند که «برندن راجرز» در بدو ورودش با سلطیک استارت زد و با ارائه برنامه بدنسازی و ریکاوری در بازه زمانی نیم‌فصل در کشوری با آب‌وهوای گرم، موفق شد چندین سال قهرمانی لیگ را به دست آورد اما آیا می‌توان در این مقطع حساس و در شرایطی که همه مسئولان به مردم در خصوص رعایت پروتکل‌های بهداشتی توصیه می‌کنند، به چنین اقدامی با دید مثبت نگریست؟

نوک پیکان یکی دیگر از «کنش‌های منفی و بد» اکنون به سمب «شادی پس از گل» بازیکنان فوتبال نشانه رفته است؛ مخصوصاً با تمایل اخیر آنها به در آغوش گرفتن هم پس از به ثمر رساندن گل. این نکته را در ذهن داشته باشید که دولت‌ها طی دوران پاندمی بارها در خصوص رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی هشدار دادند، کلیپ‌های آموزشی پخش کردند. شرایط به گونه‌ای بود که در پس تمامی این اقدامات، موزیک مشهور فیلم «خوب، بد، زشت» با صدای سوپِ بازیگر اصلی در گوش و ذهن مردم طنین‌انداز می‌شد. مسابقات فوتبال به تعویق افتاد، بازیکنان به قرنطینه رفتند، هواداران از سکوها حذف شدند اما در نهایت چیزی که شاهدش بودیم «به آغوش کشیدن» بازیکنان پس از گلزنی بود! پس پروتکل‌ها چه شد؟ کرونا در هنگام گلزنی محو می‌شود؟ گلزن‌ها کرونا نمی‌گیرند؟ این همان «کنش منفی و بد» است که از آن سخن می‌گوییم. تمامی این عوامل دست به دست هم داده تا ما اکنون همانند ناخدای کشتی تایتانیک تنها به عنوان یک بیننده، به تماشای غرق شدن کشتی در اعماق آب‌های دریای آتلانتیک بنشینیم. کاری از دست‌مان برمی‌آید؟ آیا می‌توانیم مانع غرق شدن این کشتی شویم؟ واقعیت امر این است که اگر بخواهیم از دیدگاه بهداشت عمومی به ماجرا بنگریم باید به صراحت بگوییم که در این شرایط «فوتبال» باید به طور کلی تعطیل شود و سوپ شروع هیچ مسابقه‌ای به صدا درنیاید. افزایش تعداد مسابقات لغوی و تعویقی به دلیل مثبت شدن تست کرونا ی بازیکنان چند تیم نیز دقیقاً همین مسأله را نشان می‌دهد. با این وجود مسابقات فوتبال کماکان ادامه دارند و به نظر نمی‌رسد که در آغوش گرفتن هم‌تیمی‌هایی که با یکدیگر ساعتی طولانی در رختکن، هتل، اتوبوس، هواپیما و تمرین هستند، مشکل خاصی ایجاد کند! متوجه کنایه‌آمیز بودن جمله قبلی که شدید؟ مگر می‌شود بازیکنی که هر سه، چهار روز یک بار در نزدیکی ۱۱ بازیکن دیگر عرق ریخته، در فاصله کمی از او نفس کشیده و حتی بعضاً آب دهان خود را روی چمن می‌ریزد، مشکلی ایجاد نکند؟ به مردم چه خواهید گفت؟ اینکه بدن فوتبالیست‌ها در مقابل ویروس «کووید ۱۹» نسبت به سایرین

مقاوم‌تر است؟ شوخی می‌کنید؟ حتی «کریستیانو رونالدو» با آن آمادگی جسمانی خیره‌کننده و تمرینات منظم روزانه هم به دام این ویروس افتاد؛ چه برسد به سایرین!

با خود می‌گویید «پس چرا فوتبال به طور کامل تعطیل نمی‌شود؟» سؤال جالبی است که شخصاً تنها یک پاسخ برای آن در چنته دارم! به نظر من فوتبال تنها پدیده‌ای است که می‌تواند در این دوران مردم را سرگرم کند تا دقت و تمرکز افکار عمومی به روی اشتباهات فاحش و بسیار زیاد دولت‌های مختلف معطوف نشود! با عدم تعطیلی مسابقات، حالا مسئولین می‌توانند تمام تقصیرات را به گردن «عموم مردم» و «بازیکنان» بیندازند! آنها اکنون با ریاکاری مشمئزکننده‌ای مقابل دوربین‌ها می‌ایستند و می‌گویند: کرونا ریشه‌کن نشده؟ چون مردم قوانین را رعایت نمی‌کنند! چون بازیکنان به فکر مردم نیستند! چون آنها کرونا را به سخره گرفته‌اند و بعد از گلزنی هم‌دیگر را به آغوش می‌کشند! به همین دلیل کرونا همچنان قربانی می‌گیرد!» با تمام این اوصاف به هیچ عنوان نمی‌توان ذات «فوتبال» و ماهیت اصلی این ورزش پرترفدار را با «کنش منفی و بد» برچسب زد. نمی‌توان به این لذت وصف ناشدنی به دیده منفی نگریست. از این رو شاید قانون «عدم شادی آغوشی» بتواند دستِ دولتمردان برای مقصر جلوه دادن فوتبال در ناکامی‌های مهار کرونا را خالی کند. بله؛ همه می‌دانیم که «فوتبال» تنها بهانه‌ای است جهت توجیه ناکارآمدی‌ها اما اجازه دهید از این فرصت به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم تا شاید فوتبال به جای اینکه توجیهی احمقانه در دست سیاستمداران باشد، به ابزاری جهت تمثیل هوشمندی جوامع تبدیل شود.

ضمن اینکه چنین تغییری می‌تواند باعث تزریق نوآوری‌ها و به نمایش درآمدن ابتکار جدید بازیکنان در ابراز شادی پس از گل باشد. تنها شرط موجود هم این است؛ نباید دیگران را لمس کنید. به جز این شما مجازید هر حکت دیوانه‌واری را به تصویر بکشید و به همگان اثبات کنید اگر خلاقیت شما به پرواز درآید قادر به انجام چه کارهایی هستید. البته که سال‌ها است شاهد شادی‌های گروهی جذابی نبوده‌ایم؛ مگر چند مورد که آن هم تنها در رقابت‌های جام جهانی توسط چند تیم آفریقایی به نمایش درآمد. شادی معروف ایسلندی‌ها را نیز نمی‌تواند یک شادی پس از گل قلداد کرد چرا که اغلب در پایان مسابقه اجرا می‌شد. حتی در هفته‌های اخیر «پل پوگبا» و «اریک بایی» هم تلاش کردند یک شادی گل ویژه را به تماشاچیان تقدیم کنند ولی حسِ مد نظر آنها به هیچ عنوان به مخاطب منتقل نشد.

با این حال اگر خوب فکر کنیم به چند شادی گل انفرادی



منحصر به فرد می‌رسیم؛ از پرش بلند «کریستیانو رونالدو» که در سراسر جهان از سوی چندین بازیکن مورد الگوبرداری قرار گرفت تا شادی جالب «کیلیان امباپه» و تلفن‌های «آنتوان گریزمان». از ماسک‌های «مارکو رويس» و «پیرامریک اوبامیانگ» تا شادی مخصوص «هری کین». رقص قدیمی «پل اینس» و «رایان گیگز» احتمالاً دیگر از رده خارج شده باشد زیرا نیاز به ضربه زدن به داخل ران‌ها دارد و باعث می‌شود صدای پزیشک تیم بلند شود اما با توجه به اینکه همسران بسیاری از بازیکنان در لیگ‌های مختلف دنیا اکنون باردار هستند، خوشحالی گهواره «به‌به‌تو» در تیم ملی برزیل در رقابت‌های جام جهانی ۱۹۹۴ قابل احیا باشد. سالم، بی‌خطر، کلاسیک و بدون نیاز به تماس فیزیکی بین بازیکنان. در این بین ذکر این نکته خالی از لطف نیست که «ماتئوس» پسر «به‌به‌تو» یعنی همان نوزادی که در آن خوشحالی سوژه اصلی ماجرا بود، اکنون خودش تبدیل به یک فوتبالیست حرفه‌ای شده و اخیراً فرزند خود را به آغوش کشیده

برای بازیکنان زیرک داریم؛ شادی‌های پس از گلزنی می‌توانند اشاره‌ای کنایه‌آمیز به اتفاقات روز یا حواشی و جنجال‌های مربوط به یک بازیکن خاص باشند! مثلاً شادی صندلی دندانبزشکی در یورو ۱۹۹۶، ضربه زدن به توپِ گلف توسط «کریگ بلیمی» یا «یان رایت» و «نیل رادوک» که ادای «پائولو دی‌کانیو» و «پاول آلکاک» را درآوردند، نمونه‌ای از این سبک شادی‌ها است. به عنوان نمونه اگر بازیکنان منچستریونایتد با این تفکر پیش بروند می‌توانند از ماجرای «مارکوس رشفورد» و تغییر نظر سیاستمداران استفاده کنند. یا بازیکنان استون ویلا می‌توانند به «جک گرلیش» کمک کنند که تا نشان دهد که به محدودیت‌های کرونایی با دقت عمل می‌کند! از انجام حرکات بامزه و طنز هم تحت هیچ شرایطی نباید خجالت کشید؛ شاید بازیکنان یک تیم بتوانند خود را به شکل یک نمودار که به سرعت افزایش می‌یابد در بیاورند و اگر واقعاً خلاقیت به خرج دهند حتی از اسپری محو شونده داور هم برای نشان دادن افزایش این اعداد ترسناک در کنار هم بهره



جویند. برخی دیگر می‌توانند نشان دهند که به دلیل مقررات جدید پس از «برگزیت» قادر به دریافت مجوز کار نیستند. در هنگام اجرای این نوع شادی‌ها نیاز نیست وسواس و استرس زیادی داشته باشید چرا که حتی بامزه‌ترین کمדיن‌ها نیز گاهی در خنداندن مردم دچار مشکل می‌شوند. البته اگر به یک پروژه بسیار جنجالی هم می‌انديشید، شخصاً به شما شادی «ارلینگ هالند» و هم‌تیمی‌هایش در دورتموند را پیشنهاد می‌کنم. البته که چنین اقدامی می‌تواند پر ریسک باشد و شاید در چنین مقطعی چندان عاقلانه به نظر نرسد. در پایان از یک تیشتر حاوی یک پیام مناسب روی آن هم نباید غافل شد؛ حتی اگر آن پیام یک مورد شخصی باشد. ضمن اینکه می‌توانید این جملات را هم در نظر بگیرید «زندگی کن، بخند، عشق بورز» یا «یک همه‌گیری کره زمین را نابود کرده و تمام آنچه که من گرفتم این تیشتر کثیف است!» یا حتی «من نمی‌توانم هم‌تیمی‌هایم را در آغوش بگیرم زیرا بار دیگر فوتبال قربانی می‌شود تا حواس همه از خرابی‌های گسترده ساختاری پرت شود.» در نهایت انتخاب با شما است.

چنین اقداماتی اول از همه بهانه‌های خنده‌دار سیاستمداران و دولتمردان بی‌کفایت را از لیست گزینه‌های روی میز جهت توجیه ناکارآمدی‌ها حذف می‌کند و سپس شادی را به بینندگان تلویزیونی هدیه می‌دهد. شادی‌ای که پیام آن مشخص است: «در جهانی که بیخ گوش ما رو به زوال و نابودی می‌رود ما هنوز می‌توانیم نکات مثبت را از یاد نبریم.»